

سیره پیامبر اسلام (ص) در تربیت کودک

علی اکبر روحانی مقدم
عضو حلقه‌ی علمی بلاغ

چکیده

بی شک پایداری هر جامعه‌ای با پرورش نسل جدید تحقق می‌یابد. که با تربیت نیکو و تعالیم اسلامی می‌توان بدان دست یافت.

از این رو نگارنده می‌کوشد تا با بررسی کوتاه سیره و سنت نبوی در تربیت فرزند به همه هدف تربیتی اهداف شناختی، عاطفی، رفتاری بپردازد.

نخست باید توجه کرد که در سیره و سنت نبوی، موضوع تربیت کودک تا چه اندازه ضروری و ارزشمند است. نیز از اموری که در تربیت کودک تاثیر فراوانی دارد، آموزش است، از این رو، خوب است بدانیم که توجه نمودن والدین به اوقات فراغت و بازی کودکان تا چه اندازه بر آموزش آنان اثر می‌گذارد. ضرورت رعایت عدالت میان کودکان افق دیگری است که در پایان بدان پرداخته شده است.

کلید واژه‌ها: کودک، تربیت، سیره پیامبر (ص)، آموزش کودک .

پیشگفتار

تربیت یکی از نیازهای اساسی و ضروری بشر است و آینده بشریت به تربیت نسل‌های جدید وابسته است. هر ملتی می‌کوشد تا پایداری جامعه خویش را با پرورش نسل جدید خود استحکام بخشد و آینده را به گونه‌ای به آنها بسپارد که تلاش گذشتگان نابود نشود، بلکه زحمات و خدمات آنان را تکامل و رونق بخشند.

لکن عصر کنونی با کمال تاسف با بی توجهی به تربیت زیر بنایی و آغازین کودک روبه رفته است. برخی در دنیا تلاش می‌کنند با تربیت مسموم خود، نسل جدید را نابود کرده، تربیت را از شعاع وحی دور سازند. و با دید سودجویی و منفعت مادی به آن بنگرند و این خیانتی است که به نسل معاصر می‌شود.

اثبات این مدعا در این چند سطر نمی‌گنجد، لکن اطلاعات به دست آمده از روزنامه‌ها، مجلات و کتاب‌ها این را اثبات می‌کند که نسل جدید غیر از نیازهای مادی، خواسته‌های جدید دیگری نیز دارد و آن، تقویت بنیه معنوی و روحی اوست و این یکی از حقوق مسلم و خواست فطری و ذاتی آنها است.

دنیای امروز تلاش می‌کند این حق را از او پنهان داشته و به او بفهماند که باید به نیازهای مادی بسنده کند و او را بی نیاز از تربیت معنوی و الهی که همواره خواست ذاتی بشر است، جلوه دهد.

بی شک، باید اذعان نمود که اسلام در تمام ابعاد خود در میان سایر مکاتب، مکتبی است: سالم، با فرهنگ، غنی و کامل؛ بنابراین مکتبی که دارای این خصوصیات است، به حتم برای پیروان خویش اندیشه کرده است و معتقد است

اگر پیروانش از همان آغاز کودکی رهنمودهای پیامبر اسلام(ص) را سرلوحه کار خویش قرار دهند بهترین و سالم ترین نسل انسانی را تحویل جامعه خواهند داد. از این رو، نگارنده سعی دارد با بررسی سیره تربیتی پیامبر در تربیت کودکان و تبیین آن برای والدین، در جهت تربیت بهتر فرزندانشان راهگشا باشد.

واژه شناسی

نخستین مبحث در این مقاله واژه شناسی می‌باشد. مهم ترین واژه‌های این پژوهش عبارت است از:

۱- سیره

"سیره" بر وزن "فَعَلَه" از کلمه «سیر» گرفته شده است و به معنای "حرکت و راه رفتن" است؛ زیرا وزن "فَعَلَه" در زبان عربی بر نوع، کیفیت و هیئت عمل دلالت می‌کند. سیره به معنای "حالت و چگونگی حرکت" است؛ مانند: جَلَسْتُ جَلِسَةَ الْعَبْدِ؛ «بنده وار نشستم» که چگونگی نشستن را بیان می‌کند. برخی محققان از دلالت وزن فَعَلَه، بر نوع و هیئت عمل، چنین برداشت کرده اند که سیره بر سبک و روش عمل دلالت دارد؛ از این رو، برخی از سیره نویسان از این روش معمول تخطی کرده و به جای پرداختن به سبک زندگی پیامبر(ص) به رفتار آن حضرت پرداخته اند و رفتار او را مورد بررسی قرار داده‌اند. معنای دیگری که برای آن گفته اند عبارت از «رفتار» است.^۱

همچنین معنای دیگری ذکر کرده‌اند، که به معنای "طریقه" (راه و روش) است. وقتی گفته می‌شود «سار بهم سیره حسنه» همین معنا مراد است؛ یعنی با آنان با روش خوب رفتار کرد.^۲ سیره در اصطلاح گاه به معنای چگونگی و نوع عمل است. این چگونگی همان هیئت و حالت فعالیت آدمی است و از آنجا که هیچ فعالیت بدون حالتی خاص تحقق نمی‌یابد و حالت رفتار، جدا از رفتار نیست، بنابراین سیره در این مفهوم همه رفتارها و فعالیت‌های آدمی را شامل می‌شود و این معنای اولیه و اصیل سیره است.^۳

واژه تربیت در لغت

از ماده (رَبَو) به معنای "زیادت، افزون شدن و رشد و نمو کردن" می‌باشد.^۴ ربو. ربا: ای زاد و نما^۵ یعنی افزایش یافت و رشد و نمو کرد. فهو ربا: اذا زادَ علی ای جهاتِ زاد. یعنی افزایش یافت؛ حال از هر جهت افزایش یابد فرقی نمی‌کند. راغب اصفهانی در این باره می‌نویسد:

۱. مجدالدین محمد، فیروز آبادی، القاموس المحيط، ذیل ماده سیر

۲. محمدابن مکرم، ابن منظور، لسان العرب، ذیل ماده "سیر"

۳. سید علی، حسینی زاده، سیره تربیتی پیامبر، ۱/ ۹؛ مطهری مرتضی. سیری در سیره نبوی، ص ۴۷.

۴. سیاح، احمد، فرهنگ بزرگ جامع نوین، ماده «رَبَو»

۵. محمدابن مکرم، ابن منظور، لسان العرب ج ۵ ص ۱۲۶

«ربیت» از واژه «رَبَّو» است و گفته اند اصلش از مضاعف یعنی «رَبَّ» است، به این صورت که یک حرف مضاعف «باء» برای تخفیف به «یاء» تبدیل شده است. وی نیز اشاره می‌کند که ربّ در اصل به معنای تربیت است و معنی آن ایجاد چیزی یا حالتی به تدریج و در مراحل مختلف است تا به حد کمال و تام خود برسد.^۱

تربیت در اصطلاح

تربیت عبارت است از هر گونه فعلیتی که معلمان، والدین و یا هر شخص دیگری به منظور اثر گذاری بر شناخت، نگرش، اخلاق و رفتار یک فرد دیگر، براساس اهداف از پیش تعیین شده صورت می‌گیرد. با توجه به معنا و مفهوم یاد شده، تربیت بر فراهم ساختن زمینه رشد استعدادهای کودک دلالت می‌کند.^۲ البته اهداف و محتوای تربیت نسبت به هر فرد، گروه یا مکتبی متفاوت می‌باشد.

تربیت دینی

از آنجایی که کوشش این مقاله بررسی سیره پیامبر اسلام(ص) در تربیت کودکان می‌باشد و تمام رفتار و گفتار پیامبر بر محور دین است، بنابراین به مفهوم تربیت دینی و اهداف آن اشاره خواهیم کرد.

مفهوم تربیت دینی

با توجه به تعریفی که از تربیت ذکر نمودیم، مقصود از تربیت دینی عبارت است از: مجموعه اعمال عمدی و هدفدار، به منظور آموزش گزاره‌های معتبر یک دین به افراد دیگر به نحوی که آن افراد در عمل و نظر به آن آموزه‌ها متعهد و پایبند گردند.^۳

همچنین با توجه به فطری بودن دین در درون انسان، تربیت دینی اسلامی عبارت است از: فراهم کردن زمینه شکوفائی فطرت توحیدی انسان و تجلی آن در عمل عبادی او.^۴ و از آنجایی که پیامبر اسلام(ص) خود معلم بزرگی است برای تربیت انسان‌ها، سعی بر این است که تربیت دینی کودکان را از منظر پیامبر(ص) مورد توجه قرار دهیم. باشد که این امر راهگشای مربیان و والدین باشد.

اهداف تربیت دینی

متخصصان تعلیم و تربیت برای طبقه بندی اهداف آموزشی و تربیتی، طرح‌های گوناگونی ارائه داده‌اند؛ از جمله این افراد می‌توان به «بلوم، انگل هارت، کراتوول و کیلبر» اشاره کرد. عمدتاً اهداف تربیت را به این صورت طبقه بندی کرده‌اند.

- ۱- اهداف شناختی مرتبط با فرایند هوشی؛ مانند «آموزش ...»؛
- ۲- اهداف عاطفی مرتبط با احساس و هیجان مانند «احترام، بازی کردن و...»؛
- ۳- اهداف حسی حرکتی مرتبط با رفتار، مانند «پرداختن به اوقات فراغت و...»؛

۱. حسین ابن محمد، راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن ص ۳۴ و ۳۳۶

۲. سیدعلی، حسینی زاده، تربیت فرزند ص ۱۲

۳. محمد، داه ده، سه تبت سامبر و اهل بیت، تربیت دینی ج ۲ ص ۲۷

هدف اصلی تربیت دینی، موحد شدن مرتبی می‌باشد.^۱
بنابراین در تربیت دینی هدف این است که با استفاده از قاعده‌های تربیتی و به کار بستن آنها تربیت بر محور دین صورت پذیرد.

آنگاه که تربیت بر این محور صورت پذیرفت، به تدریج فرد مرتبی موحد می‌گردد؛ به دلیل اینکه تربیت او از اساس و پایه قاعده مند و صحیح صورت گرفته است.

(تربیت دینی آنست که مسیر تعلیم و تربیت فرد با استفاده از منابع دینی و در جهت تامین اهداف دین، تحقق یابد)

کودک کیست؟

اساساً کودک به کسی اطلاق می‌شود که سه مرحله را طی نماید:

مرحله نخست از تولد تا پایان دو سالگی

در این مرحله کودک خود را با اوضاع جدید زندگی سازگار می‌کند و برای این سازگاری از حواس مختلف (بینایی، شنوایی، واکنش در برابر بو...) بهره می‌گیرد. و در این دوران، کودک به لحاظ جسمی، عاطفی و اجتماعی رشد می‌کند و در مقابل عواطف و احساسات اطرافیان واکنش نشان می‌دهد.

مرحله دوم: کودکی از سه تا هفت سالگی

در این مرحله رشد سریع جسمی، کودک را برای تجربه و یادگیری بیشتر آماده می‌کند و به تدریج که بزرگ‌تر می‌شود، به شبکه پیچیده‌تری از تجارب دست می‌یابد و از حواس خود بیشتر استفاده می‌کند و به کمک راه رفتن با محیطی گسترده و متنوع رو به رو می‌شود.

بر خلاف دوران نخست زندگی، در این دوره رفتار کودک کمتر قابل پیش بینی است؛ زیرا از این پس تجارب محیطی و تاثیری که بر او می‌گذارد، مسیر رشد کودک را تعیین می‌کند.

این دوره جزء حساس ترین سال‌های نخست زندگی کودک به شمار می‌آید، به لحاظ اینکه سؤالهای او از اطرافیان شروع می‌شود و این والدین هستند که با پاسخگویی مناسب می‌توانند ذهن کودک را شکوفا نمایند و به رشد ذهنی او کمک کنند.

مرحله سوم کودکی از هفت تا یازده سالگی

ابتدا و انتهای این دوره با تحولات و شرایط جدیدی همراه است که تا اندازه‌ای بر شخصیت کودک و سازگاری‌های اجتماعی او اثر می‌گذارد.

این دوره از نظر روان شناسان، سنین گرایش به دسته و گروه است که کودک تلاش می‌کند که خود را از نظر ظاهر، رفتار و گفتار با دسته و همسالان تطبیق دهد. به همین جهت است که روان شناسان این دوره را سن "همانند سازی" نامگذاری می‌کنند و برخی از آنان این دوره را "سن خلاقیت" نامیده‌اند یعنی دوره‌ای که در آن معلوم خواهد شد، کودک در آینده خلاق و مبتکر می‌شود یا دنباله رو و پیرو خواهد بود.

بنابراین، می‌توان گفت این دوره از رشد مانند هر مقطع دیگری از اهمیت زیادی برخوردار است؛ زیرا خصوصیات رشد در این دوره در مقایسه با مقاطع دیگر، نمودی مثبت و سازنده دارد که این نمود برای همگان واضح است.^۱

*اهمیت روانشناسی کودک

نخستین سؤالی که در ذهن ایجاد می‌گردد این است که چرا باید به روان‌شناسی کودک بپردازیم؟ پاسخ این پرسش را می‌توان در اصل "اپی ژنتیک" جستجو کرد این اصل اشاره می‌کند به این که زندگی انسان از دوره‌های مختلفی تشکیل می‌شود که هر دوره قادر است تأثیرات مخرب و یا مناسبی را بر زندگی دوره بعدی انسان بگذارد و با توجه به اینکه دوره‌های نوجوانی، جوانی و بزرگسالی متأثر از دوره کودکی خواهد بود، پس با مورد توجه قرار دادن دوران کودکی و روان‌شناسی این دوره و پرداختن به آن، می‌توان جوانان و بزرگسالانی مستعد و موثر داشت.^۲ با اندیشیدن به این دوره و برنامه ریزی صحیح نیز می‌توان جامعه‌ای سالم داشت؛ بنابراین، از نوع نگرش پیامبر(ص) و تأکیدهای فراوانی که نسبت به دوران کودکی داشته است؛ معلوم می‌شود که این دوران در نزد او از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است که ما نیز بعد از گذشت چندین سال هنوز هم می‌توانیم از برنامه ریزی‌های او نسبت به تربیت کودکان مان بهره مند شویم و جامعه‌ای سالم داشته باشیم.

عوامل زمینه ساز تربیت کودک

الف) عوامل پیش از تولد

انتخاب همسر از جمله عواملی است که زمینه‌های شکل‌گیری تربیت را ایجاد می‌کند. با گزینش همسر، پرونده عوامل ارثی و بخش مهمی از عوامل محیطی بسته می‌شود؛ زیرا محیط تربیت را خانواده و اجتماع تشکیل می‌دهند. در این میان، مهم‌ترین نقش را محیط خانواده ایفا می‌کند؛ چرا که کودک حساس‌ترین زمان تربیت و رشد خود را در خانواده می‌گذراند و زن و شوهر از ارکان خانواده به شمار می‌روند؛ از این رو، اگر همسران از لحاظ جسمی، روحی و روانی، تربیتی سالم داشته باشند، به یقین می‌توان گفت بخش مهمی از تربیت کودک سامان یافته است. در علم روان‌شناسی نیز به تفاوت‌های فردی توجه شده است.

بسیاری از روان‌شناسان بر این باورند که تفاوت‌های فردی اعم از تفاوت‌های جسمی و ظاهری (قد، وزن، رنگ، چهره و...) و صفات شخصیتی و خصایص رفتاری منحصر به فرد انسان، تحت تأثیر دو عامل مهم وراثت و محیط ایجاد می‌گردد و از این دو، عامل وراثت تأثیر بیشتری بر روند رشد در دوران جنینی می‌گذارد.

انسان‌ها ساخته پدر و مادر و اجداد شان می‌باشند و بسیاری از خصوصیات جسمی و عقلی و روانی آنها را از طریق ژن‌های عامل وراثت به ارث می‌برند.^۳

^۱ سوسن، دکتر سیف، و دیگران، روانشناسی رشد ص ۲۴۶ و ۲۸۲؛ لورا ای برک/ ترجمه یحیی سید محمدی، روانشناسی رشد.

^۲ ل. ا. ا. ک.، دانشنامه، شد، ترجمه یحیی سید محمدی، ص ۱۲۰،

از کودکی تا نوجوانی، تهران انتشارات مهشاد ۱۳۸۴.

در دین اسلام نسبت به تاثیر ویژگی‌های شخصیتی والدین بر فرزندان توجه بسیاری شده است و پیامبر اسلام (ص) نیز توصیه‌های خاصی در مورد انتخاب همسر و ازدواج نموده است و می‌فرماید:

«انكحوا الأكفاء و انكحوا منهنم وأختاروا لِنُطفكم»^۱؛

"به هم‌شان خود زن بدهید و از هم‌شان خود زن بگیرید و برای نطفه‌های خود جایگاه مناسب انتخاب کنید."

«وانظُر فی ایّ انصابٍ تَضَعِ ولدک فإنّ العرق دساس»^۲؛

"بنگر که فرزندان را در چه نسل و نژادی قرار می‌دهی؛ زیرا رگ و ریشه خانوادگی در فرزند اثر می‌گذارد."

تاکید پیامبر (ص) بر انتخاب همسر شایسته نشان می‌دهد که اسلام به تاثیر عوامل ارثی در رشد و تکوین شخصیت فرد توجه دارد.

سروده‌های سعدی نیز موید این عوامل موثر [وراثت و محیط] در تربیت کودک است که گوید:

پرتو نیکان نگیرد هر که بنیادش بد است تربیت ناهل را چون گردکان بر گنبد است^۳

ب: عوامل پس از تولد

از دیدگاه اسلام رشد انسان پس از تولد در چند مرحله متوالی صورت می‌گیرد. از پیامبر (ص) در این زمینه روایت شده است: فرزند تو هفت سال آقا، هفت سال بنده و هفت سال وزیر است. اگر تا سن بیست و یک سالگی خوی و خصلت‌های او را پسندیدی که خوب و گرته او را به حال خویش رها کن؛ زیرا تو در پیشگاه خدا معذوری^۴ از منظر پیامبر گرامی مراحل رشد در سه دوره سیادت، اطاعت و وزارت قابل تقسیم است که در هر یک از این مراحل با توجه به شرایط سنی کودک و نوجوان باید آداب و تعالیمی خاص را به او آموخت و انتظارات مشخصی از او داشت. در این مقاله به دو دوره سیادت و اطاعت اشاره می‌کنیم.

دوره نونهالی

این مرحله از رشد از آغاز تولد تا سن هفت سالگی را شامل می‌شود. روان‌شناسان این دوره را که مراحل نوزادی، طفولیت و خردسالی را دربرمی‌گیرد، دوره نونهالی می‌نامند. پیامبر (ص) این دوره را "سن سیادت کودک" دانسته و پدر و مادر را موظف به رفع نیازهای مادی و معنوی کودک نموده و برای آنان تکالیفی را مقرر کرده است که از جمله آن وظایف که تاثیر بسزایی در تربیت کودک دارد، شیردادن به نوزاد است. آن حضرت می‌فرماید: «برای کودک شیری برتر از شیر مادر نیست»^۵. (سیادت و سروری به معنی مورد توجه بودن و تامین خواسته‌ها و نیازهای کودک در این دوره می‌باشد)

^۱ . محمدبن الحسن، عاملی، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه ج ۱۴ ص ۲۹

^۲ . هندی، متقی، کنز العمال ج ۱۵ ص ۸۵

^۳ شیخ مصلح الدین، سعدی، گلستان با تصحیح حسین استاد ولی ص ۶۱، ۱۳۶۹

^۴ . علامه مجلسی، بحار الانوار، ۱۰۴، ص ۹۵

^۵ ن الحکمه، ص ۵، ۲۰۸۲.

قرآن نیز به تغذیه کودک با شیرمادر تاکید کرده و مدت شیردهی را دو سال بیان کرده است.^۱»

با این همه تاکید اگر شیردهی با رعایت قوانین خاص [اعم از با وضو بودن، رو به قبله بودن و خوردن مال حلال] و... انجام گیرد، نقش بسزایی در زمینه سازی تربیت در آینده خواهد داشت.

اما در دوره اطاعت و نوبادگی که روان شناسان این دوره را از سن هفت تا چهارده سالگی کودک ذکر کرده اند، به وجود آوردن زمینه‌های آموزشی را عامل تربیت شدن کودکان می‌دانند، همان طور که پیامبر(ص) نیز این دوران را [هفت سال دوم] "دوران اطاعت" نامیده اند و آموزش در این دوران را مهم توصیف کرده اند. چون از آموزش در این دوره است که شخصیت انسان برای آینده بارور می‌شود.

همچنین از دیگر عواملی که در تربیت کودک تاثیر خواهد داشت، نام نیکوست، چون نام نیکو در وجود کودک شخصیت ایجاد می‌کند و باعث الگوگیری او خواهد شد.

ممکن است نوع و کیفیت تاثیر برخی از آداب که معصومان(ع) و پیامبر اسلام(ص) پس از تولد کودک رعایت می‌کردند، بر ما روشن نباشد، ولی اصل تاثیر آنها بر کودک [تاثیر جسمانی یا روانی] در سیره معصومان(ع) و پیامبر(ص) انکار ناپذیر است.

اهمیت و ضرورت تربیت کودک

اهمیت و ضرورت تربیت انسان‌ها بر کسی پوشیده نیست و هیچ مکتب و مذهب و گروهی نیست که این مهم را انکار نماید، ولی همه اختلافات در اهداف و نوع تربیت است؛ چون یکی از ویژگی‌های انسان تربیت پذیری است و انزال کتب و ارسال رسل هم برای تربیت و هدایت اوست و همه مکاتب و گروه‌ها و مذاهب برای تربیت آدمی در دوران کودکی اهمیت ویژه‌ای قائل اند. اسلام نیز بر تربیت در این دوران تاکید بسیار دارد و آن را از جمله وظایف والدین و در شمار حقوق فرزندان می‌داند. برخی از روایاتی که بیانگر اهمیت این امر می‌باشد، به شرح ذیل است:

۱- ایوب ابن موسی از پیامبر اسلام(ص) روایت می‌کند که حضرت فرمود:

«ما نَحَلَّ وَالِدٌ وَوَلَدًا نَحَلًّا أَفْضَلَ مِنْ أَدَبٍ حَسَنٍ»^۲؛

«هیچ هدیه‌ای از طرف پدر به پسر بهتر از حسن ادب و تربیت نیکو نیست»

۲- ابن عمر از پیامبر(ص) روایت نموده است:

«ما وَرَثَ وَالِدٌ وَوَلَدٌ أَفْضَلُ مِنْ أَدَبٍ»^۳؛

"هیچ میراثی از ادب و تربیت صحیح برای فرزند بهتر نیست"

۳- پیامبر گرامی اسلام(ص) فرمود:

«لَا يَأْتِيكَ مِنَ الْوَالِدِ خَيْرٌ مِنْ أَنْ يَصْدُقَ بِنِصْفِ صَاعِ كُلِّ يَوْمٍ»؛

۱. بقره / ۲۳۳.

۲. متفق هند، کن العمال، ۱۶، ص ۵۶.

"اگر پدری فرزند خویش را تربیت کند، بهتر از این است که روزی یک و نیم کیلوگرم طعام صدقه بدهد"^۱
بنابراین، با تربیت صحیح فرزندان است که انسان می‌تواند به پاداش‌های بزرگ الهی نائل آید و خداوند در قرآن کریم از آن به اجر عظیم تعبیر نموده است:
انما اموالکم و اولادکم فتنه و ان الله عنده اجر عظیم؛^۱
"بدانید که به درستی، اموال و فرزندان شما [وسیله] آزمایش [شما] هستند و خداست که نزد او پاداش بزرگی خواهد بود".

به راستی انسان زمانی از این آزمایش سربلند بیرون خواهد آمد که استفاده کردن از اموال و تربیت فرزندان را در مسیر [رضایت الهی]^۲ قرار دهد تا موجب بهشتی شدن او گردد؛ از این روست که پیامبر گرامی (ص) از فرزند این گونه تعبیر می‌فرماید:
«الولد ریحانة الجنة»؛^۳ فرزند گل بهشتی است.
در نتیجه همان گونه که شکوفا شدن گل‌ها نیاز به مراقبت ویژه توسط باغبان نیاز دارد، تربیت فرزند هم به مراقبت والدین از فرزندشان نیاز دارد.

نقش پدر و مادر در تربیت کودک از منظر پیامبر (ص)

یک بعد از معاشرت و سلوک خوب با فرزندان به اعمال و رفتار خاص والدین و برخورد متقابل آنها مربوط است. نیروی تقلید و قوه جاذبه کودک بسیار قدرتمند است؛ لذا هر آنچه در پیرامونش اتفاق می‌افتد، به سرعت دریافت می‌کند. و چه بسا بعضی از آن رفتارها را به میدان عمل بیاورد.
بدین جهت والدین باید به این موارد دقت کنند و با بی توجهی و بی مهری از کنار آن نگذرند اینک والدین بگویند او بچه است و چه می‌فهمد و... طرز تفکری است از عدم درایت و سادگی والدین سرچشمه می‌گیرد و نمی‌دانند که همین بی توجهی و بی اعتنائی‌ها به کودک چه انعکاسی در آینده خواهد داشت و چه تاثیری در بافت و ساختار فرهنگی و اخلاقی او به وجود می‌آورد.
آنچه بسیار قابل توجه و با اهمیت می‌نماید، بزرگ دانستن و مهم پنداشتن همین توهّمات است که به نظر، ساده و کوچک جلوه می‌کند.
والدین تنها اشخاصی‌اند که می‌توانند کودک را در مسیر صحیح قرار دهند و تنها اینان‌اند که می‌توانند با الگوگیری از رفتار و گفتار پیامبر اکرم (ص) کودکان را در مسیر صحیح قرار دهند.
هدف ما بر این است که در این بخش، نقش والدین را در تربیت کودک از منظر پیامبر (ص) مورد توجه قرار دهیم.

^۱ . انفال/۲۸

^۲ . عبدالله، شمس، نفس القاتلک، ص ۲۸۵

الف- احترام پدر و مادر به کودکان و اثرات آن

انسان گل سر سبد موجودات است و اسلام همواره حریم او را محترم شمرده است. این حرمت، صرف نظر از ویژگی‌های هر دسته و گروهی برای تمامی انسان‌ها وجود دارد و جنسیت، قومیت، نژاد، سن و حتی ایمان و بی‌ایمانی در آن دخالت ندارد. و این حرمت و کرامتی است که خداوند از بدو خلقت انسان به او بخشیده است و در برابر آن نیز از او مسئولیت خواسته است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «ولقد کرّمنا بنی آدم و حملناهم فی البر و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلاً»؛ به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنها را در خشکی و دریا بر [مرکبها] بر نشانیدیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم.^۱

لکن در نزد خداوند برخی از انسان‌ها از کرامت بیشتری برخوردارند: «انّ اکرمکم عندالله اتقیکم» ارجمندترین شما نزد خداوند پرهیزکارترین شماست.^۲

کودکان که هنوز در مقام کسب تقوا قرار نگرفته‌اند، دست کم در کرامت اولیه با بزرگسالان مساویند. از سویی دیگر، کودکان بر فطرت الهی آفریده شده‌اند و این فطرت گرچه هنوز به فضائل مزین نیست، به خباثت نیز آلوده نیست.

بدین جهت کودکان نیز برخوردار از کرامت‌اند و شاید کرامتی بیش از برخی بزرگسالان دارند پس این امر، احترامی بیشتر را می‌طلبد.

از آنجاکه کودک از روحیه‌ای لطیف برخوردار است، هر قدر از سوی والدین و مربیان مورد احترام قرار گیرد، حرف شنوی او بیشتر خواهد بود و تربیت او آسان‌تر خواهد بود. از سویی دیگر، اگر کودک از جانب والدین و مربیان خود مورد بی‌احترامی قرار گیرد نه تنها سخن‌ها و تعلیمات آنان در او اثر تربیتی نخواهند داشت، بلکه اثری معکوس و ضد تربیتی نیز خواهد داشت.

اکنون به برخی از راه‌های تکریم و احترام کودکان اشاره خواهیم کرد:

۱- فراخوانی نیکو

یکی از راه‌های ارتباط با دیگران ارتباط کلامی است و این ارتباط زمانی مورد توجه قرار خواهد گرفت که همراه با لحن نیکو و عاری از طعنه و تمسخر باشد. پیامبر گرامی (ص) در این باره می‌فرماید:

«إذا سمیتم الولد فاکرموه و اوسعوا له فی المجلس و لاتقبحوا وجهاً»^۳

"هر گاه از فرزند خود نام می‌برید گفتار خویش را با اکرام و احترام در آمیزید و در نشست‌ها و مجالس جایی برای آنها فراخ سازید و با چهره درهم کشیده با آنان برخورد نکنید."

^۱ . اسراء / ۷

^۲ . حجات / ۱۳

۲- ابراز محبت به کودکان

از نکات مهم محبت و احترام به کودکان این است که تنها به محبت درونی بسنده نشود؛ زیرا محبت وقتی موثر و مفید خواهد بود که ابراز گردد و کودک از دوستی آنان آگاه شود و گرنه اصل دوستی تنها برای محبت کننده می تواند مفید باشد نه برای آنکه نسبت به او دوستی می ورزند، از این رو پیامبر(ص) همواره اصحاب خود را به آشکار ساختن محبت سفارش کرده اند. همچنان که امام کاظم(ع) از پیامبر(ص) روایت می کنند: «اذا احب احدکم اخواه فليعلمه فانه اصلح لذات بینکم»^۱

"هر گاه یکی از شما برادر ایمانی اش را دوست دارد، این دوستی را به اطلاع او برساند که این کار برای دوستی و رابطه بین شما بهتر است."

ابراز محبت به شیوه ها و روش های گوناگونی در مورد کودکان انجام پذیر است؛ مانند: در آغوش گرفتن، نوازش کردن، سخن گفتن به نرمی، بازی با فرزند و بوسیدن و...

از این رو، دل پاک کودک آینه ای است درخشان و اظهار محبت پدر و مادر به فرزند و به خصوص بوسیدن او آئینه روح کودک را جلا می دهد و ضامن سلامت روحی و تعادل عاطفی کودک است و شاید فلسفه سفارش های پیامبر(ص) به بوسیدن فرزند در همین نکته نهفته باشد که می فرماید:

«القبله حسنة و الحسنه عشرة» بوسیدن فرزند کار نیک است و پاداش هر نیکی ده برابر است.^۲

البته این نکته را نباید از خاطر دور داشت و آن رعایت اعتدال در محبت و ابراز آن است؛ هر چند افراط و تفریط در هر کاری ناپسند است، لکن در مسائل تربیتی باعث بروز آثار منفی و پرتوقعی کودک خواهد شد.

سیره گفتاری و رفتاری پیامبر (ص) در این زمینه:

همچنین فرمودند: "هر درختی میوه ای دارد و میوه دل، فرزند است. بوی فرزند از بوهای بهشت است. فرزندانان راز یاد ببوسید."^۳

رفتار پیامبر(ص)

پیامبر گرامی(ص) اسلام علاوه بر اینکه سفارش به محبت و بوسیدن فرزند می کردند، خود نیز در این امر پیش قدم بودند:

ابوهریره گوید: "خرج علينا رسول الله (ص) و معه الحسن و الحسين(عليهما السلام) هذا علي عاتقه و هذا علي عاتقه و هويلثم هذا مرة و هذا مرة حتى انتهى اليها فقال له رجل: يا رسول الله انك لتحبهما فقال: من احبهما فقد احبني...."

^۱ . محمدباقر، مجلسی، ۱۳۹۹، بحار الانوار ج ۷۴ ص ۱۸۱

^۲ . محمدباقر، مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۴ ص ۱۸۱

"روزی پیامبر اکرم با امام حسن و حسین (علیهما السلام) به سوی ما می آمدند و در حالی که هر یک از آن دو بریکی از شانه های پیامبر نشسته بودند و رسول خدا باری این را می بوسید و باری دیگر آن را تا اینکه به نزد ما رسید. یکی از یاران به آن حضرت عرض کرد: یا رسول الله این دو را بسیار دوست می داری؟ فرمود: هر کس این دو را دوست بدارد بی تردید به من مهر ورزیده است."^۱

چه کسی اهل جهنم است؟

وجود مقدس پیامبر (ص) علاوه بر توصیه به ابراز محبت به واسطه بوسیدن، خود نیز به این کار مبادرت می ورزید و کسی که عمل «بوسیدن فرزند» را ترک کند از اهل جهنم می شمارند.

حسن بن علی بن یوسف ازدی از مردی از امام صادق (ع) نقل می کند که فردی به حضور پیامبر اسلام (ص) رسید و عرض کرد: «ما قبلت صبیلا لی قط فلما ولی قال رسول الله (ص): هذا رجل عندی انه من اهل النار»^۲

"من تاکنون فرزندم را نبوسیده ام. پیامبر که از شدت بی رحمی و قساوت او متعجب شده بود، فرمود: این مرد نزد من از اهل جهنم است.

در روایتی دیگر نیز آمده است که روزی اقرع ابن حابس پیامبر (ص) را مشاهده کرد که امام حسین (ع) را می بوسید. اقرع گفت: من ده فرزند دارم و تاکنون یکی از آنها را نبوسیده ام. پیامبر (ص) فرمود: "هر کسی مهر و محبت نداشته باشد مشمول رحمت الهی قرار نمی گیرند"^۳

ب) همبازی شدن والدین با کودکان

بازی یک نیاز طبیعی برای کودک است و بدون آن کودک رشد سالم نخواهد داشت. کودکی که به بازی علاقه ای نداشته باشد، به طور تقریبی بیمار محسوب می شود. همه انسان ها اعم از بزرگ و کوچک، حتی انبیا و اولیا در دوران کودکی تمایل به بازی داشته اند و کم و بیش به بازی می پرداخته اند و این حاکی از آن است که بازی، از نیازهای طبیعی انسان است.

البته ممکن است این امر بر همگان روشن باشد، اما مهم آن است که والدین با وجود علم و آگاهی به این نیاز کودکان، شاید توجه کافی به رفع نیاز و آثار تربیتی فراوانی که در توجه به آن دارد، نشان ندهند، و از آثار زیانباری که در بی توجهی به هم بازی شدن به کودک به بار خواهد آمد، غافل باشند.

لکن از جمله راههایی که می توان حس احترام و محبت را در وجود کودک به وجود آورد، همبازی شدن با اوست. اگرچه همبازی شدن با کودک مقداری از وقت والدین را می گیرد، اما آثار بسیار نیکویی در پی خواهد داشت.

علاوه بر این، مشارکت والدین در بازی کودکان برای آنان نشاط انگیز است و موجب رشد استعدادها و تلطیف عواطف او نیز خواهد شد؛ لذا بازی با کودک اگر با قاعده و سالم باشد، می تواند تفکر کودک را رشد دهد. به همین جهت گفته اند: بازی تفکر کودک است.

^۱ . محمدباقر، مجلسی؛ بحار الانوار ج ۴۳ ص ۲۸۱

^۲ . محمدباقر، مجلسی؛ ح عامله، سائل الشیعه ج ۱۵ ص ۲۰۲

از پیامبر بزرگوار اسلام (ص) خطاب به والدین راجع به همبازی شدن با کودکان نقل شده است که فرمود: «من کان عنده صبی فلیتصاب له»^۱

هر کس کودکی داشته باشد، باید با وی کودکانه رفتار نماید.

تاکید گفتاری و کرداری پیامبر اسلام (ص) در موارد متعدد حاکی از توجه ژرف حضرت به رفتار کودکانه با کودکان است.

اینک نمونه‌هایی از سیره رفتاری پیامبر (ص) را بیان می‌کنیم:

۱- حمایت از بازی کودکان

مر رسول الله علی صبیان و هم یلعبون بالتراب. فنهاهم بعض اصحاب النبی (ص)، فقال: دعهم فان التراب ربیع الصبیان^۲

پیامبر گرامی بر کودکانی گذشت که با خاک بازی می‌کردند، یکی از یاران پیامبر (ص) آنها را از این کار منع کرد. پیامبر (ص) فرمود: آنها را رها کن؛ زیرا خاک بوستان کودکان است.

۲- سواری دادن پیامبر به حسنین (علیهما السلام)

ابن ابی نجیح گوید: کان الحسن و الحسین یرکبان فوق ظهر النبی و یقولان حل حل و یقول النبی نعم البعیر بعیرکما؛^۳

امام حسن (ع) و امام حسین بر پشت پیامبر (ص) سوار می‌شدند و می‌گفتند: برو برو و پیامبر (ص) می‌فرمود: "نیکوشتری است شتر شما".

۳- همبازی شدن پیامبر (ص) با امام مجتبی (ع)

عبدالله بن زبیر می‌گوید: گاه می‌دیدم پیامبر (ص) میان دو پای خود را فراخ می‌نمود تا حسن (ع) از سویی برود و از سوی دیگر بیرون بیاید.^۴

۴- همبازی شدن پیامبر (ص) با امام حسین (ع) در کوچه

عن یعلی العامری خرج من عند رسول الله (ص) الی طعام دعی الیه فاذا هو بحسین (ع) یلعب معه الصبیان فاستقبل النبی (ص) امام القوم ثم بسط یدیه فطفر الصبی هاهنا مرّة و هاهنا مرّة و جعل رسول الله (ص) یضاحکه حتی اخذه فجعل احدی یدیه تحت ذقنه و الاخری تحت قفاه و وضع فاه علی فیه و قبله...

^۱ . محمدبن حسن، حرعاملی، وسائل الشیعه، ۱۵، ص ۲۰۳

^۲ . نورالدین علی ابن ابی بکر، هیشمی، مجمع الزوائد، ۸، ص ۱۹۵

^۳ . علامه محمدباقر، مجلس، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۸۵

مردی به نام یعلی عامری از محضر رسول گرامی (ص) خارج شد تا به ضیافتی که دعوت بود برود. ناگاه حسین (ع) را دید که مشغول بازی است. طولی نکشید که رسول اکرم (ص) به اتفاق اصحاب از منزل خارج شدند. وقتی پیامبر (ص) حسین را دید از اصحاب جدا شد در حالی که به سوی فرزندش قدم بر می داشت. دستانش را گشود تا او را در آغوش بگیرد. کودک خنده کنان این سو و آن سو می گریخت و رسول نیز خنده کنان از پی او می دوید. سرانجام کودک را گرفت. دستی زیر چانه او و دستی دیگر بر پشت گردن او نهاد و لب بر لبش گذاشت و او را بوسید.^۱ در این جریان در واقع نوعی احترام به کودک است که پیامبر اصحاب را رها می کند و با اندکی از صرف کردن وقت خود همبازی امام حسین می شود.

۵ - همبازی شدن با کودکان در تنگی وقت نماز

توجه پیامبر (ص) و بازی با کودکان فقط به امام حسن (ع) و امام حسین (ع) اختصاص نداشت، بلکه او با کودکان دیگر نیز اینگونه بود. گویند روزی پیامبر برای اقامه نماز عازم مسجد بود. در راه همین که کودکان پیامبر (ص) را دیدند، به سوی او دویدند و برگرد او حلقه زدند و هر یک صدا می زد یا رسول الله «کن جملی»؛ شتر ما باش تا بر دوش تو سوار شویم. کودکان که گویا رفتار پیامبر با حسنین را دیده بودند انتظار داشتند که پیامبر (ص) درخواست آنان پاسخ مثبت بدهد. حضرت هم انتظار آنان را برآورده نمود و با آنان مشغول بازی شد.

مردم که در مسجد جمع شده بودند، انتظار پیامبر (ص) را می کشیدند تا نماز بپا دارند. بلال را به سراغ پیامبر (ص) فرستادند. بلال به پیامبر (ص) رسید و عرض کرد: یا رسول الله. مردم منتظرند. فرمود: «ای بلال برای من تنگ شدن وقت نماز بهتر از تنگ شدن دل کودکان است.» سپس فرمود: «به منزل برو و اگر چیزی هست برای کودکان بیاور.» بلال روانه منزل شد و به جستجو پرداخت. تعدادی گردو یافت و آنها را نزد پیامبر (ص) برد. پیامبر (ص) نیز گردوها را در دست گرفت و خطاب به کودکان فرمود: «اتبیعون جملکم بهده الجوزات» آیا شتر خود را در عوض این گردوها می فروشید؟ کودکان به این معامله رضایت دادند و با خوشحالی پیامبر (ص) را رها کردند و پیامبر (ص) راهی مسجد شد و فرمود: «خدا رحمت کند برادرم یوسف را که او را به چند درهم فروختند و مرا به چند جوز»^۲.

۶. شوخی با کودکان

پیامبر بیشترین شوخی را با بچه ها می کرد^۳

^۱ . علامه محمد باقر؛ مجلسی؛ بحار الانوار، ج ۴۳ ص ۲۶۲

^۲ . محمد حسن، حلال شاه، ده دس، نفایس الآثار ص ۲۸۶

۷. اهمیت توجه به کودکان

از آنجایی که همبازی شدن با کودکان و شوخی با آنان باعث شادی کودکان می‌شود؛ لذا شاد کردن کودکان در اسلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. پیامبرگرامی اسلام (ص) می‌فرماید:

"ان فی الجنة دار یقال دارالفرح لایدخلها الا من فرح الصبیان"

به درستی که در بهشت خانه‌ای قرار دارد که به آن خانه شادی می‌گویند.

کسی وارد آن نمی‌شود مگر اینکه کودکان را شاد کرده باشد.^۱

شایان ذکر است که شاد کردن کودکان به واسطه همبازی شدن و شوخی با آنان نیز نوعی احترام به آنان است و آنان پدر و مادر را در کنار خود احساس می‌کنند و زمانی که این گونه احساس در وجود آنان به وجود آمد، هر آینه فرمانبری از والدین نیز بیشتر خواهد شد.

ج) نقش پدر و مادر در جهت دهی اوقات فراغت کودکان

یکی از دلایلی که امروزه موجب بروز فساد و مشکلات اخلاقی جامعه گردیده است، بیکاری است، بنابراین، می‌توان گفت از جمله اشخاصی که می‌توانند از انحراف کودکان و نوجوانان خود جلوگیری کنند، والدین می‌باشند؛ بدین صورت که با برنامه ریزی صحیح و پرکردن اوقات بیکاری فرزندان، مانع انحراف آنان باشند. از جمله اموری که برای کودکان و نوجوانان جهت پرکردن اوقات فراغت توصیه می‌گردد پرداختن به ورزش می‌باشد.

«تاثیر مهارت‌های حسی و حرکتی و فعالیت‌های ورزشی برکنش‌های روانی و ذهنی به گونه‌ای است که بسیاری از روان‌شناسان و کارشناسان تعلیم و تربیت، مانند «ژان پیازه، آلفرد آدلر، کورنو و موریس دبس» عقیده دارند که این گونه فعالیت‌ها می‌بایست در درجه اول برنامه‌های آموزشی کودکان و نوجوانان قرار بگیرد.

آشنایی کودکان و نوجوانان با برنامه‌های حسی حرکتی تنها باعث تقویت کنش‌های ذهنی آنها نمی‌گردد، بلکه موجب نشاط روانی و سرزندگی و تقویت اعتماد به نفس و بالطبع بهداشت روانی آنان می‌گردد.^۲

اکنون شایسته است که روان‌شناسان با مطالعه زندگی پیامبر(ص) و نوع نگرش به مسئله اوقات فراغت و ورزش پی خواهند برد که در آن عصری که جهالت و گمراهی سرتاسر شبه جزیره عربستان را فراگرفته بود و آنان دختران را زنده به گور می‌کردند، روان‌شناسی قهار می‌زیسته است. و آنقدر ژرف و زیبا به مسئله کودک و اوقات فراغت و ورزش آنان پرداخته است که تعجب همگان را برمی‌انگیزد. اکنون زمان آن رسیده است که به گوشه‌ای از آن امور اشاره نماییم.

^۱ * هندی، کن العمال، ۶۰۹

د. نقش پدر و مادر در آموزش و تعلیم کودک

اهمیت آموزش

اهمیت علم در اسلام بر کسی پوشیده نیست، به گونه‌ای که اگر کسی تنها نامی از اسلام شنیده باشد، قدر و منزلت علم و عالم را در این دین تصدیق خواهد کرد زیرا خدای متعال در نخستین ارتباط کلامی با پیامبر اسلام (ص) او را به خواندن امر می‌کند و خویش را به صفت معلمی می‌ستاید که به انسان آنچه را نمی‌دانست آموخت. بنابراین دانش آنقدر در اسلام اهمیت دارد که خداوند در قرآن به قلم قسم یاد می‌کند و پیامبر (ص) نیز از همان ابتدای رسالت همواره بر علم و علم آموزی تاکید دارند و مردم را به آموختن آن تشویق و ترغیب می‌کنند. نقل می‌کنند که روزی پیامبر (ص) وارد مسجد شد و با دو حلقه جمعیت مواجه شد. دسته‌ای مشغول بحث علمی بودند و دسته‌ای مشغول عبادت خدا و راز و نیاز با او. حضرت فرمود: هر دو گروه بر صواب اند. لکن آنان خدا را می‌خوانند و اینان می‌آموزند و نادان را آموزش می‌دهند؛ اینان برترند (و) من برای تعلیم فرستاده شده‌ام و با گروه اول نشست.^۱

آموزش در کودکی و اولویت‌های آن

از آنجایی که کودکان و نوجوانان امروز مردان آینده‌اند، باید برای اداره جامعه‌ی اسلامی آمادگی کامل پیدا کنند و این مهم میسر نمی‌باشد مگر به واسطه آموزش صحیح و مورد تایید دین مبین اسلام، بنابراین، سخنان و رفتار پیامبر اسلام (ص) در مورد مسائل آموزشی راه گشای والدین خواهد بود در امر تربیت کودک که به ترتیب اولویت نمونه‌هایی را ذکر خواهیم کرد.

اولویت‌های آموزش کودکان

۱. آموزش قرآن

از آنجایی که قرآن به عنوان کتاب آسمانی اسلام از جایگاه ویژه‌ای در نزد پیامبر (ص) برخوردار است، آن حضرت به خاطر اهمیت این موضوع و نهادینه کردن قرآن در زندگی انسان‌ها نخست به پایه ریزی این کتاب شریف در سنین کودکی و آموزش آن به کودکان اصرار فراوانی دارند و می‌فرمایند:

من علم ولده القرآن فکانما حج البیت عشره الف حجة...؟^۲

"هرکس به فرزند خودش قرآن بیاموزد گوئی ده هزار حج انجام داده است و در حدیثی دیگر می‌فرماید:"^۳

ادبوا اولادکم علی ثلاث خصال: حب نبیکم و حب اهل بیته و قراءة القرآن فان حمله القرآن فی ظلّ الله یوم لا ظلّ الا ظلّه مع انبیاءه و اصغیاءه^۳

^۱ همان ۲۰۶

^۲ همان.

فرزندان خود را به سه ویژگی تربیت کنید: محبت پیامبر، محبت اهل بیت و قرائت قرآن؛ زیرا حاملان قرآن در سایه خدایند در روزی که هیچ سایه‌ای جز سایه خدا نیست، و در کنار پیامبر و برگزیدگان او جای دارند.^۱

۲. آموزش خواندن و نوشتن

از دیگر مواردی که والدین موظف اند در مورد کودکان خود انجام دهند، آموزش خواندن و نوشتن است، که یا خود عهده‌دار این مسئولیت شوند یا اینکه کودک را به شخص یا مکانی که قادر به انجام این امر است، بسپارند، زیرا آموزش خواندن و نوشتن، زیر بنای تمام آموزش‌های دیگر است، با فراگرفتن این امر خواندن و نوشتن یادگیری آموزش‌های دیگر میسر است. پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمودند:

"من حق الولد علی والده ثلاثه یحسن اسمه و یعلمه الکتابه و یزوجه اذا بلغ"^۲

سه حق از حقوقی که فرزندان بر پدر و مادر دارند این است: انتخاب نام خوب، آموزش خواندن و نوشتن و فراهم آوردن زمینه ازدواج پس از بلوغ.

همچنین روایت شده است که روزی رسول مهربان (ص) درباره مسابقه خطاطی و خوش نویسی به امام حسن (ع) و امام حسین (ع) سفارش می‌فرمود: هر کس خط او زیباتر است، قدرت او نیز بیشتر است. کودکان هر کدام خط زیبایی نوشتند و خدمت پیامبر (ص) رسیدند. وی امر قضاوت را به مادر آنها فاطمه زهرا (س) واگذار نمود. حضرت صدیقه طاهره نیز فرمود: من چگونه میان دو کودک خود داوری نمایم، ای نور دیدگانم؟ با پاره کردن این گردنبند و ریختن دانه‌های آن بر سر آنها گفت: "هر کسی که بتواند دانه بیشتری جمع کند او بهتر و قدرتش بیشتر است."^۳ (نقل شده که جبرئیل دانه‌ها را طوری قرار داد که هر دو به تساوی رسیدند)

۳. آموزش احکام

«روی عن النبی (ص)، انه نظر الی بعض الاطفال، فقال: ویل لاولاد آخر الزمان من آبائهم فقیل: یا رسول الله من آبائهم المشرکین؟ فقال: لامن آبائهم المؤمنین، لایعلمو نهم شیئاً من الفرائض و اذا تعلموا اولادهم منعوهم و رضوا عنهم بعرض یسیر من الدنیا فأنا منهم بریء و هم منی براء»

روایت شده است، نبی مکرم (ص) روزی نظر کردند به بعضی از اطفال و سپس فرمودند: وای به حال فرزندان آخر الزمان، گفته شد: وای به حال پدران و مادران مشرک آنها. حضرت فرمود: خیر از پدران و مادران مومن آنها که هیچ چیز از احکام و واجبات دینی را با آنها نمی‌آموزند و اگر فرزندان چیزی آموختند، مانع آموزش فرزندان می‌شوند. و از آنها در دنیا به سرمایه ناچیزی راضی‌اند. من از چنین پدرانی بیزارم و آنها از من روی گردانند.^۳

^۱ . حسن ابن فضل طبرسی، ، مکارم الاخلاق ص ۲۲۰

^۲ علامه محمدباقر، مجلس، بحال، الاته ار ج ۴۵، ۱۹۰

نکته مهم در این بخش این است که آموزش احکام و عقاید آنقدر مهم است که پیامبر(ص) از والدین که به آموزش فرزندان‌شان مبادرت نمی‌کنند، بیزار است و از سویی آموزش احکام و عقاید پیش از زمانی که فکر و ذهن کودک و نوجوان به امور زندگی مشغول شود و یا تحت تاثیر عقایدی دیگر قرار گیرد، باید صورت پذیرد، زیرا ذهن خالی آنها بهتر و راحت تر پذیرای حق خواهد بود.

۴. آموزش نماز

از آنجایی که نماز نقش اصولی در دین دارد و از آن به عنوان ستون دین یاد شده است و این ستون از همان ابتدا باید در کودک پایه ریزی شود لذا این امر میسر نیست مگر از طریق آموزش؛ بنابراین، نماز عبادتی است دارای ابعاد گوناگون که در آن ذکر، قرائت و عمل وجود دارد و به خاطر اینکه انتقال خوبی‌ها به فرزندان در انحصار گفتن و دستور دادن نیست، پس نیازمند یک روش خاصی است.

در زندگی معصومان(ع) و سیره پیامبر اکرم(ص) این روش خاص که روش اصلی و مفید آنان بوده است، غیر از آموزش عملی نبوده است و آنان به جای اینکه توضیح شفاهی بدهند، عملاً به آن می‌پرداختند. امام صادق(ع) می‌فرماید: " روزی پیامبر اسلام(ص) خواستند نماز بخوانند. امام حسین(ع) نیز پهلوی حضرت قرار گرفتند. امام حسین(ع) نتوانست تکبیر نماز را صحیح انجام دهند و پیامبر تا هفت مرتبه این عمل را تکرار کردند تا اینکه امام حسین(ع) توانستند صحیح انجام بدهند.^۱ همچنین در سیره ایشان است که می‌فرمودند: صلّوا کما رأیتمونی اصلّی^۲ چنان که دیدید من نماز می‌خوانم، نماز به جا آورید.

۵ - آموزش آداب اجتماعی

الف) غذا خوردن

در دین مبین اسلام برای غذا خوردن آدابی معین شده است که بخشی از آن آداب را عمر بن ابی سلمه فرزند ام سلمه اشاره می‌کند و می‌گوید: «كنت غلاماً فی حجر رسول الله و کانت یدی تطیش فی الصحفة فقال رسول الله (ص) یا غلام- بسم الله و کُل بیمینک و کُل ممّایلیک»^۳ در کودکی در خانه نه پیامبر خدا(ص) زندگی می‌کردم و بر سر سفره دستم را به هر طرف دراز می‌کردم و غذا برمی‌داشتم. پیامبر(ص) فرمود: ای پسر بسم الله بگو و با دست راست و از جلو خودت غذا بخور

ب. سلام و احترام به کودکان

انسان به گونه‌ای آفریده شده است که همیشه دوست دارد مورد احترام دیگران قرار بگیرد و این ویژگی برخاسته از کرامتی است که خداوند به او داده است.

^۱ . علامه محمدباقر؛ مجلسی، بحار الانوار ج ۴۳ ص ۳۰۷

^۲ . علامه محمدباقر، مجلسی، بحار الانوار ج ۸۹ ص ۱۸۸

لاخلاق ص ۱۵۷

بنابراین، انسان‌ها در مقابل هرگونه تحقیر و کم انگاری مقاومت می‌کنند و واکنش نشان می‌دهند و این واکنش طبیعی است حتی برای کودکان.

چه بسا کودکان فراوانی که پدر و مادرانشان همه نیازهای مادی آنان را برآورده می‌سازند، لکن چون به آنان احترام نمی‌گذارند و معمولاً آنان را کوچک می‌شمارند، با آنان ارتباطی صمیمی برقرار نمی‌کنند و این موجب بروز مشکلاتی در راه تربیت آنان خواهد بود.

از نکات ظریفی که در سیره پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) بارها تجسم یافته و بازگو شده احترام به کودکان است پیامبر (ص) با شیوه‌های گوناگون، حرمت خردسال را رعایت می‌کرد و بدانان بها می‌داد. هر چند با سلام کردن. در این باره از انس ابن مالک بازگو شده است: "ان رسول الله مَرَّ علی صبیان فسلم علیهم و هو مغذاً" پیامبر اسلام در رهگذری با گروهی از کودکان برخورد کرد، نخست به آنان سلام کرد سپس از خوراکیهایی که به همراه داشت به آنان داد و تا پایان عمر این رفتار را رها نکرد. اینگونه برخورد پیامبر (ص) به ویژه در عصر جاهلیت، بسیار با اهمیت است؛ زیرا که انسان‌ها و قبایل بعضاً که در برخورد با یکدیگر شمشیر از نیام می‌کشیدند و از کنار هم می‌گذشتند پیامبر مهربان سلام کردن را جانشین آن ساختند و آنقدر تاکید بر آن داشتند که در این راه همیشه پیش قدم بودند، حتی بر کودکان.

۵. عدالت محوری پدر و مادر و نقش آن در زیست کودک

یکی از عوامل مهم و موثر که در تربیت نقش کلیدی و سازنده دارد، عدالت است. والدین موظف‌اند که همواره سعی نمایند به عدالت و مساوات در بین فرزندان خود رفتار نمایند و هیچ زمانی پسر را بر دختر و فرزندی را بر سایر فرزندان ترجیح ندهند. یا در نزد سایر فرزندان یکی را بیش از همه مورد مهر و محبت و نوازش قرار ندهند. قابل پیش بینی است که پدر و مادر از ثمره تلخ این تبعیض‌ها بی بهره نخواهند بود، ضمن اینکه اعتماد فرزندان از والدین نیز سلب می‌شود. خود با دست خویش آتش حسادت و دشمنی و کینه‌ورزی را شعله‌ور می‌سازند. البته جز این نیز نمی‌توان انتظار داشت.

نعمان ابن بشیر از پیامبر اکرم (ص) روایت می‌کند که فرمود:

اتقوا الله و اعدلوا بین اولادکم كما تحبون ان ینبروکم ۲

"از خداوند بترسید و در بین فرزندان‌تان به عدالت رفتار کنید، همانگونه که دوست دارید آنان به شما نیکی کنند." اینک به شمه‌ای از دستورات و سیره پیامبر اسلام (ص) در مورد رعایت عدالت اشاره می‌کنیم.

۱. عدالت بین پسر و دختر

رسول مکرم اسلام نسبت به تبعیض قائل شدن بین پسران و دختران بسیار حساس بودند نمونه گویای این حسادت به شرح ذیل می‌باشد:

روزی رسول اکرم(ص) مشغول سخن گفتن با یاران خویش بودند. کودکی وارد شد و به نزد پدر خویش که در گوشه‌ای از مسجد نشسته بود، رفت.

پدر طفل دستی بر سر او کشید و او را بر زانوی راست خود نشانید. اندکی بدین حال گذشت که دختر خردسال آن مرد وارد شد و به نزد پدر رفت. چون به نزدیک او رسید، مرد دستی بر سر او کشید و در کنار خود نشانید. پیامبر(ص) که تبعیض و بی عدالتی مرد را در مورد کودکانش دیده بود، فرمود: چرا او را به زانوی چپ خود نشانیدی؟! آن مرد که به رفتار نادرست خود پی برده بود، به دستور پیامبر(ص) عمل کرد و دخترش را به زانوی دیگر نشانید. رسول خدا(ص) فرمود: «الآن عدلت» اکنون عدالت را رعایت کردی.^۱ با توجه به اینکه پیامبر در آن روزها با مشکلات فراوانی روبه رو بود، باز هم توجه خویش را به کودکان و تربیت صحیح آنان از جانب والدین معطوف می‌داشت.^۲

۲. عدالت حتی در بوسیدن

هر چند مهر و محبت به کودکان و بوسیدن آنان جهت تکریم شخصیت آنان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، لکن باز هم والدین از رعایت عدالت در بین کودکان نباید غافل باشند. همان گونه که پیامبر اسلام(ص) مراعات این امر را می‌نمودند حتی در بوسیدن فرزند و به دیگران نیز توصیه نمودند. ابوهیریره گوید: خرج علینا رسول الله (ص) و معه الحسن و الحسين هذا علی عاتقه و هذا علی عاتقه و هو یلثم هذا مره و هذا مره حتی انتهى الینا...

روزی پیامبر اکرم(ص) با امام حسن و امام حسین (ع) به سوی ما می‌آمد، در حالی که هر یک از آن دو بر یکی از شانه‌های پیامبر نشسته بود و رسول گرامی باری این را می‌بوسید و باری آن را...^۳ همچنین روایت شده است: انه نظر الی رجل له ابنان فقبل احدهما و ترک الآخر فقال النبوی(ص) فهلاً ساویت بینهما؟!^۴

روزی فردی را دید که دو فرزند خود را به همراه داشت. یکی را بوسید و دیگری را نبوسید. رسول خدا به او فرمود: آیا مساوات راعایت کردی بین آنان؟! چرا عدالت و مساوات را بین آن دو رعایت نکردی. به راستی که چقدر زیبا می‌شود رعایت تناسب گفتار و کردار و این عمل از کسی صادر نمی‌شود که بتواند به طور کامل بین گفتار و کردار تناسب برقرار کند مگر رسول گرامی اسلام.

^۱ . ابن ابی الدنیا، کتاب العیال، ص ۱۷۳

^۲ . محمدجواد، طبسی، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت

^۲ . محمدجواد، طبسی، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت ص ۱۰۱

^۳ . محمدباق، مجلس، بحا، الانه، ج ۴، ص ۲۸۱

الاخلاق ص ۲۲۰

عدالت در هدیه دادن به کودکان

هدیه هر چند یک کالای مادی است لکن حامل پیام و اثری است که پیام آن مهر و محبت از جانب هدیه دهنده به گیرنده و اثر آن تالیف قلوب است و اهل بیت(ع) نیز به این عمل نیک سفارش می‌کنند و معتقدند که هدیه مهر و محبت به یادگار می‌گذارد.

بنابراین کودکان که از روحیه‌ای لطیف و حساس برخوردارند، هدیه دادن والدین به کودکان گواه صادقی از محبت والدین به آنان است، لکن در این عمل نیک افراط و تفریط، تبعیض و تفاوت روا نیست، زیرا به جای آنکه سودمند افتد، سبب ایجاد حسادت و اختلاف بین کودکان می‌شود.

بنابراین پیامبر اسلام در این باره می‌فرماید:

"ساووا بین اولادکم فی العطیه فلو کنت مفضلاً احداً لفضلت النساء"^۱

"در هدیه دادن به فرزندانان مساوات را رعایت نمائید و اگر من کسی را بر کسی مقدم می‌داشتم هر آینه زنان (دختران) را مقدم می‌داشتم."

نکته: در این مطالب رعایت عدالت و مساوات به یک معنا آمده است به لحاظ اینکه کودکان قادر به تمایز بین عدالت و مساوات نیستند؛ لذا در این نوشتار در مقام مقایسه بین عدالت و مساوات نیستیم و از حوصله این مقاله خارج می‌باشد؛ بنابراین، به همین مقدار توضیح بسنده می‌کنیم.

پاداش مساوات و عدالت

با توجه به اینکه رعایت عدالت و مساوات امری پسندیده در بین همه اقشار جامعه است، لکن رعایت آن در بین کودکان از حساسیت بیشتری برخوردار است. اکنون زمان آن رسیده است که ببینیم آیا دین اسلام که نسبت به رعایت این امر خیلی حساس است و تأکید فراوانی دارد، برای مراعات کننده این عمل نیک پاداشی نیز در نظر گرفته است یا خیر؟

گویند روزی زنی با دو کودک خویش بر عایشه همسر رسول گرامی وارد شد. عایشه به رسم میهمان نوازی و توجه به کودکان آن زن، سه دانه خرما به آن زن داد. مادر کودکان به هر یک از آنان خرمایی داد و خرمای دیگر را نیز دونیم کرد و به هر کدام نیمی از خرما عطا کرد.

زمانی که پیامبر(ص) به منزل بازگشت، عایشه جریان را برای آن حضرت تعریف کرد. پیامبر(ص) فرمود: آیا از عمل آن زن متعجب شدی؟ خداوند به خاطر رعایت عدالت و مساوات، آن زن را به بهشت خواهد برد.^۲

^۱ . علاء الدین؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۴۶

آثار عدم نهادینه شدن عدالت در میان کودکان

لکن زمانی که پدر و مادر با عدل و انصاف نباشند و میان کودکانشان امتیاز قائل شوند و بعضی را بر بعضی ترجیح دهند، ضررهای روحی و روانی غیرقابل جبرانی را متوجه کودکان خود ساخته اند که خلاصه وار به آنها اشاره می‌کنیم.

۱. کودکان در محیط خانواده عملاً از رفتار والدین درس حق کشی و بی عدالتی فرامی‌گیرند و تدریجاً بدان عادت کرده و در قبال انجام بی عدالتی، احساس گناه نمی‌کنند.
۲. فرزندان که قربانی تبعیض شده‌اند، نسبت به پدر و مادر کینه پیدا می‌کنند و در رفتارشان تغییر ایجاد می‌شود و به دنبال بهانه جویی هستند.
۳. والدین خود باعث برافروخته شدن حسد و کینه توزی در بین کودکانشان می‌شوند.
۴. کودکانی که مورد تبعیض قرار بگیرند، احساس محرومیت و مظلومیت می‌کنند و عقده‌ای بار می‌آیند و این عقده ممکن است که در وجود کودک تولید اضطراب، ناراحتی و ناامنی کند و او همیشه خود را در انزوا احساس کند؛ بنابراین منجر به افت تحصیلی او می‌گردد...^۱

سخن پایانی

به امید روزی که پدران و مادران به جای اینکه چشم و هم چشمی نمایند و فرزندان را در رقابت ناسالم قرار دهند. سیره پیامبر گرامی اسلام(ص) را سرلوحه زندگی خود قرار دهند تا اینکه فرزندانشان روز به روز بیشتر و بیشتر به سمت معنویت و اخلاق جذب شوند و با تربیتی نیکو اداره جامعه را به دست گیرند.

فهرست منابع

۱. قرآن مجید، ترجمه محی‌الدین الهی قمشه‌ای، انتشارات صالحی ۱۳۶۱
۲. عاملی، محمدابن‌الحسن، وسائل‌الشیعه الی تحصیل مسائل‌الشریعه، تهران- انتشارات اسلامی-
۳. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، انتشارات اسلامیة تهران
۴. طبرسی، حسن‌ابن‌فضل، مکرم‌الاخلاق، ترجمه ابراهیم میرباقری، انتشارات فراهانی ۱۳۵۵ تهران
۵. هیشمی، نورالدین‌علی‌ابن‌ابی‌بکر، مجمع‌الزوائد ومنبع‌الفوائد، دارالکتب‌العلمیه، بیروت ۱۴۰۸ هـ ق
۶. ابن‌منظور، محمدابن‌مکرم، لسان‌العرب، دارصادر، بیروت ۱۴۱۶ هـ ق
۷. پاک‌نژاد، سیدرضا، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، انتشارات خانه کتاب، یزد ۱۳۵۴ هـ ش
۸. راغب‌اصفهانی، حسین‌ابن‌احمد، مفردات‌الفاظ‌قرآن‌کریم، دارالقلم دمشق ۱۴۱۶ هـ ق
۹. هندی، علاء‌الدین‌علی‌المتقی‌ابن‌حسام‌الدین، کنز‌العمال فی سنن‌الاقوال و‌الفعال، الرساله بیروت ۱۴۱۳ هـ ق

۱۰. شبر، عبدالله، تفسیر القرآن الکریم، انتشارات اسوه ۱۲۴۲ هـ ش
۱۱. سیاح احمد، فرهنگ بزرگ جامع نوین، انتشارات اسلام- تهران ۱۳۷۵ هـ ش
۱۲. مطهری، مرتضی، سیری در سیره نبوی، انتشارات صدرا- تهران ۱۳۶۷ هـ ش
۱۳. فیروزآبادی، مجدالدین محمد، القاموس المحيط، دارالاحیاء التراث العربی، لبنان ۱۴۱۲ هـ ق
۱۴. ری شهری، محمد/ میزان الحکمه، دفتر تبلیغات اسلامی قم ۱۳۶۲ هـ ش
۱۵. سعدی، مصلح‌الدین، گلستان، با تصحیح حسین استادولی/ انتشارات قدیانی ۱۳۶۹ هـ ش
۱۶. ابن‌ابی‌الدنیا، کتاب العیال، ابن‌القیم، سعودی ...
۱۷. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، آل‌البتیت قم
۱۸. جلالی شاهرودی، حمد محسن، مجموعه‌الاجبار فی نفایس الآثار و مکارم الاخلاق . کلمات ائمه‌الاطهار، چاپخانه خراسان
۱۹. ترمذی/ محمدناصرالدین الالبانی، صحیح سنن ترمذی، الاسلامی بیروت ۱۴۰۸ هـ ق
۲۰. لورای برک، روانشناسی رشد، ترجمه یحیی سیدمحمدی، نشر ارس‌باوان تهران ۱۳۸۱ هـ ش
۲۱. دکتر سیف، سوسن، دکتر کدیور، پروین، دکتر نوری، رضا، لطف آبادی، حسین، روانشناسی رشد، انتشارات سمت چاپ مهر، قم ۱۳۷۳ هـ ش
۲۲. گنج، ن‌ل، وبرلانیر، دیویدسی، روانشناسی تربیتی، انتشارات
۲۳. حسینی زاده، سید علی، تربیت فرزند، زیر نظر علیرضا اعرافی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه قم ۱۳۸۵
۲۴. حسینی زاده، سیره تربیتی پیامبر ج ۱، زیر نظر علیرضا اعرافی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه قم ۱۳۸۵
۲۵. رضائی، مائده، تربیت کودک در اسلام، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان ۱۳۸۴
۲۶. ابوطالبی، مهدی، تربیت دینی، انتشارات موسسه امام خمینی، قم، ۱۳۸۳ هـ ش
۲۷. داوودی، محمد، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت، موسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه قم ۱۳۸۳
۲۸. نجاتی، حسین، روانشناسی رشد از کودکی تا نوجوانی، انتشارات مهشاد، تهران ۱۳۸۴ هـ ش
۲۹. امینی، ابراهیم، آئین تربیت، انتشارات اسلامی تهران ۱۳۷۶ هـ ش
۳۰. کریمی، محمد علی، الگوهای تربیت کودکان و نوجوانان- انتشارات نهضت، قم ۱۳۷۵ هـ ش
۳۱. طبسی، محمدجواد، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم ۱۳۷۶
۳۲. افروز، غلامعلی، مباحثی در روانشناسی و تربیت کودکان و نوجوانان، انجمن اولیاء مربیان ۱۳۷۲
۳۳. احمدیان، ابراهیم، رهگشای انسانیت «نهج الفصاحه» انتشارات گلستان ادب قم ۱۳۸۴
۳۴. ابطحی اصفهانی، سیدمحمدباقر، جامع الاخبار عن النبی و الائمه‌الاطهار، موسسه امام‌المهدی قم.